

**Received:** 2023/10/3  
**Accepted:** 2024/5/12  
from 49 to 67

**Hamide Ghotbinejad**

Ph.D. student of Philosophy of Education, Shahid Bahonar University, Kerman  
h.ghotbinejad@ens.uk.ac.ir

**Murad Yari Dehnavi**

professor and faculty of the Department of Philosophy of Education, Shahid Bahonar University, Kerman (corresponding author)  
myaridehnavi@uk.ac.ir

**Seyyed Hamidreza Alavi**

professor and faculty of the Department of Philosophy of Education, Shahid Bahonar University, Kerman  
hralavi@uk.ac.ir

**Keywords:**

The Holy Qur'an, Discourse Types, Thought-Oriented, Education

## The Typology of Thought-Oriented Discourse in the Verses of the Holy Qur'an and Its Implications for Education

### Abstract

Thought and speech are two great graces bestowed by God upon humanity. These powers elevate humans from their animalistic nature to the position of God's vicegerents. Through thoughtful contemplation, one can safeguard their verbal expression from slips and guide it toward the truth (God and the path of God). As individuals navigate the complexities of life across various dimensions, their ability to think and communicate is influenced by education and their environment. Depending on their intellectual and social growth, their verbal communication also deepens and becomes more rational. By possessing eloquent language, individuals can provide clear insights and instill them into the minds of people in society, express truths logically and strongly, and use a discourse that combines sound reasoning with emotional appeal, all while adhering to thought-oriented ethical principles so as to engage in an intellectual Jihad i.e., a strong effort to clarify by means of discourse. Accordingly, the present study investigated various types of explanatory and thought-oriented discourse including gentle or mild, exemplification and simile, imperative or reproaching, non-argumentative, wise, systematic or organized, scholarly, argumentative and inquisitive, definite, firm, and narrative discourse. These discourse genres were analyzed in terms of content, theme, concept, and context of the relevant verses of the most precise and well-documented divine book, the Holy Qur'an using a linguistic concept analysis method. The study aimed to explore the remarkable impact of different discourse genres used by educators on learners to strategically select the most appropriate genre for conveying facts and institutionalizing individual and collective prosperity in public education.

## گونه شناسی کلام اندیشه گرا در آیات قرآن کریم و پیامدهای آن در تربیت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۱  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۳  
از صفحه ۴۹ تا صفحه ۶۷

### چکیده

نیروی اندیشه و تکلم، دو فیض بزرگ خداوند تبارک به آدمی‌اند که انسان را از حد حیوانی تا جانشینی خدا بالا برده‌اند. با اندیشه ورزی می‌توان پویای کلامی انسان را از لغزش گاه‌ها مصون داشت و آن را مساعدت نمود تا به حقیقت هستی (خدا و راه خدا) هدایت یابد. همانطور که آدمی در جریان پر پیچ و خم زندگی در ابعاد گوناگون رشد می‌یابد، قدرت اندیشه ورزی و گفتار تحت تأثیر تعلیم و تربیت و محیط وی قرار می‌گیرد و بر اساس میزان رشد عقلی و اجتماعی، ارتباط کلامی نیز از تعمیق و تعقل بیشتری بهره مند می‌گردد. تا با داشتن زبانی گویا، جهت ایجاد روشن بینی در اذهان جامعه و بیان حقائق با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل همراه با زینت عواطف انسانی و به کارگیری اخلاق با رویکرد اندیشه گرا به جهاد در مسیر تبیین کلامی بپردازد. بنابراین در پژوهش حاضر، گونه‌های گوناگون گفتار تبیین نگر با رویکرد اندیشه گرا، از جمله (گونه‌های کلامی آرام یا ملایم، مثالی و تشبیهی، استلزامی (امری یا نكوهشی)، بی حاشیه، حکیمانه، شمرده یا منظم، عالمانه، استدلالی و پرسشگرانه، معین، استوار، داستانی) و پیامدهای تربیتی آن بر اساس محتوا، مضمون، مفهوم و سیاق آیات مربوط با استفاده از روش تحلیل مفهوم زبانی از متقن ترین و مستندترین کتاب الهی، قرآن کریم به دست آمد تا بنا بر تأثیر شگفت انگیز گونه‌های متفاوت گفتار مریبان بر متربیان، و توجه ویژه در جهت انتخاب بهترین گونه گفتاری در بهترین جایگاه خود در مسیر تبیین حقائق و نهادینه سازی سعادت فردی و جمعی در آموزش و پرورش همگانی حرکت نمود.

### حمیده قطبی نژاد

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید باهنر کرمان  
h.ghotbinejad@ens.uk.ac.ir

### مراد یاری دهنوی

دانشیار و هیئت علمی گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)  
myaridehnavi@uk.ac.ir

### سیدحمیدرضا علوی

استاد و هیئت علمی گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید باهنر کرمان  
hralavi@uk.ac.ir

### واژگان کلیدی:

قرآن کریم، گونه‌های کلامی، اندیشه گرا، تربیت

خداوند یکی از بالاترین موهبتها و نعمات خود را به انسان آن می‌داند که انسان را خلق نمود، به وی قدرت بیان بخشید و آن را به وی آموخت لذا یکی از بالاترین وظائف مربی، تلاش در جهت شکوفا ساختن و فعلیت بخشیدن به ویژگی قدرت نطق و بیان آدمی است (علوی، ۱۳۹۳). امام صادق<sup>(ع)</sup> در تعریف کلام می‌فرماید: «کلام ظاهر ساختن آن چیزی است که در قلب باشد، از صفا و کدورت و دانائی و نادانی» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶۸ ص ۲۸۵) تنوع گونه‌های کلامی و گفتاری است که سبب ایجاد تغییر در بیان و درک مفاهیم در موقعیتهای مختلف می‌گردد تا فرد با انتخاب گونه گفتاری یا کلام خویش از منظر قرآن کریم برای رسیدن به هدف غائی هدایت، رستگاری و حیات طیبه (آل عمران، ۱۰۳ و نحل، ۱۵ و بقره، ۵۳ و زخرف، ۱۰ و اعراف، ۱۵۸ و سجده، ۳ و مؤمنون، ۴۹ و انبیاء، ۳۱) در مسیر تربیت الهی گام بردارد. امام سجاد<sup>(ع)</sup> نیز در این مورد بیان می‌دارند:

حق زیانت بر تو آنست که از فحشاء و منکرات دورش نگهداری و به گفتن کلمات خوب و نافع عادتش دهی و وادارش کنی که با ادب و خوب سخن گوید و از زیاد گفتن و بیخود چرخیدن در دهان منعش نمائی تا سکوت را رعایت کند مگر در جائی که نیاز به تکلم باشد و نفعی برای دنیا و آخرت داشته باشد و نگزاری سخنی که فائده و نفعی ندارد و جز ضرر و زیان حاصلی در آن متصور نیست، از دهان تو خارج شود بعد از آنکه عقل و نقل بر مضر بودن و بد بودن آن دلالت دارد، زیرا که زینت عاقل به عقلش در خوبی گفتار و درست سخن گفتن است و حول و قوه‌ای نیست مگر به حول و قوه خداوند بزرگ (شیروانی، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

بدان سبب که یکی از ابزارهای دشمنان جهت سلطه بر مغزها که بسیار با ارزشتر از سلطه بر سرزمینهاست، شبهه پراکنی، اغوائگری (ص، ۸۲) جعل و دروغ پردازی (از آفات کلام) است، نقطه مقابل طرفندهای آنان ایجاد روشن بینی افراد در عرصه‌های گوناگون اعتقادی و معرفتی، اجتماعی، سیاسی و غیره است و این محقق نمی‌گردد مگر با جهاد تبیین که یکی از عرصه‌های آن جهاد زبانی (یا همان کلام تبیین نگر) است که از ابزارهای اساسی آن داشتن زبانی است، گویا جهت ایجاد روشن بینی در اذهان جامعه و خنثی نمودن وسوس دشمنان. لذا در این مسیر بایستی حقائق با منطق قوی، سخن متین و اندیشه گرایی همراه با زینت عواطف انسانی و به کارگیری اخلاق با شیوه‌ای نو در بیان گفته شود که اگر اینگونه نشود دنیامداران حتی دین را هم وسیله هوسرانی و شهوترانی خودشان قرار خواهند داد از این رو همه ما بایستی در این میدان حرکت کنیم و به هر نحوی سهم خود را در مسیر جهاد تبیین انجام دهیم (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱). همچنانکه امام علی<sup>(ع)</sup> در مورد اهمیت آن در نامه ۴۷ نهج البلاغه اینگونه بیان می‌دارند: خدا را خدا را در باره جهاد با اموال، جان‌ها و زبان‌تان در راه خدا (دشتی، ۱۳۹۰).

در اثر انجام چنین پژوهشی، انواع گونه‌های گفتاری اندیشه‌گرا از منظر کلام الهی به عنوان خط مشی انسانها در جهت برقراری ارتباط کلامی پسندیده، تبیین حقائق و پویا در مسیر سعادت مشخص می‌گردند. تا همه مریبان در هر مقام و منزلتی ارزش گفتار و اثرات آن را بر متریبان خویش در هر سن و جایگاهی بدانند. که اگر خود مربی از این موهبت کم بهره باشد چه بسا

در فرایند تربیت متربی توفیق چندانی حاصل نکند (علوی، ۱۳۹۳). لذا مربی در ابتدا می‌بایست با به‌کارگیری قدرت اندیشه و تفکر، خود و متربیان، را مجهز به بهترین شیوه‌گفتاری در موقعیتهای گوناگون کلامی که منظور خداوند در قرآن کریم است نمایند و در مسیر جهاد تبیین با زبان و کلام خویش به انجام وظیفه بپردازند. لذا با استفاده از نتایج چنین پژوهشی در گزینش و آموزش مربیان و استفاده از آن برای متربیان در سطوح و مقاطع مختلف آموزشی-تحصیلی می‌توان این نوید را جهت آماده‌سازی جامعه‌ای هدفمند، آگاه و روشن‌نگر را داد تا در فضایی طیب و پاک و با استفاده از بهترین گونه‌های گفتاری اندیشه‌گرا به تبیین و درک حقائق پرداخته و به اهداف غایی از خلقت خویش (تعلیم و تربیت اسلامی) و خدایی‌تر شدن جهان نزدیک‌تر گردند.

با استفاده از نظرات و پژوهش‌های حاضر و بنابر جستجوهای انجام گرفته، تا کنون پژوهشی تحت عنوان این پژوهش انجام نگردیده است لذا طی جستجوهای مرتبط و پیرامون عنوان پژوهش مد نظر مشخص گردید که: حیدری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به مبنای و اصول گفتار از منظر اسلام پرداخته است. معتمدی محمد آبادی و میرشاه جعفری (۱۳۹۷) در پژوهشی با نام گفت و گو و کارکردهای تربیتی آن در پرتو و آیات و روایات، هدف از این مقاله را بررسی و تبیین کارکردهای تربیتی گفت و گو در بعد فردی و اجتماعی بیان نموده و به تبیین آثار آن همچون گسترش شناخت و معرفت، پرورش تفکر نقاد، خودآگاهی، و تقویت اعتماد به نفس و در بُعد اجتماعی آن به، سعه صدر، همدلی و هم‌اندیشی و حصول وحدت تفاهم پرداخته است. اما نظر به اهمیت رویکرد اندیشه‌گرایی و گونه‌های کلامی ذیل آن، در روابط نیکوی انسانی و نقش مهم آن در تبیین حقائق و تعلیم و تربیت و تأثیرات ویژه آن در زندگی و سعادت انسان، بر آن شدیم تا در این زمینه به تحقیق و پژوهش بپردازیم.

پژوهشگر با استفاده از روش کتابخانه‌ای به گردآوری داده‌ها پرداخته و ضمن مطالعه دقیق آیات قرآن کریم و ترجمه آنها با استفاده از روش تحلیل زبانی مفهومی بر اساس سیاق مفهوم و شبکه معنایی، بررسی مترادف و تضاد کلمات یا عبارات (باقری، ۱۳۸۹) در مورد گونه‌های گفتار اندیشه‌گرا بر اساس اجزاء تشکیل دهنده گفتار مانند زبان و کلمات، لحن، صوت، نوع خطاب (ارتباط کلامی خداوند با مردم، یا با پیامبران و ارتباط کلامی پیامبران با مردم)، چگونگی تلفظ، شیوه بیان، تفکر، تعقل و انتخاب واژگان و عبارات، به دسته بندی و جداسازی مطالب براساس رویکرد اندیشه‌گرایی و گونه‌های کلامی ذیل آن بر اساس روش فوق پرداخته و سپس به پیامدهای آن در عرصه تربیت پرداخته است. (شایان ذکر است به علت معذوریت در رعایت تعداد واژگان، بیان آیات هدف و ترجمه آنان که بسیار پر اهمیت می‌نماید در قالب آدرس سوره مبارکه بیان گردیده است از این رو پژوهشگر انتظار دارد خواننده محترم این نکته را لحاظ بفرماید که تمام مکتوبات این مقاله بر گرفته از تحلیل و استنتاج آیات فراوانی است که در این مجال به صورت تخلص شده بیان گردیده است.)

## ۲- کلام اندیشه گرا

نیروی تفکر و تکلم، دو فیض بزرگ خداوند تبارک به آدمی است، چنانکه پس از آفرینش انسان از نعمت بیان سخن گفته است. الرَّحْمَنُ ﴿۱﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿۲﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿۳﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿۴﴾. خداوند رحمان (۱) قرآن را آموزش داد (۲) انسان را آفرید (۳) به او زبان آموخت (۴) و اختلاف و گوناگونی زبانها را از نشانه‌ها و قدرت ربوبیت خویش بیان نموده است (روم، ۲۲). این دو ویژگی (تفکر و تکلم) انسان را از حد حیوانی تا جانشینی خدا بالا برده است. امیر مؤمنان در این زمینه چنین می‌فرماید: «ما الانسان لو لا اللسان الا صوره ممثله او بهيمه مهمله» اگر زبان نباشد انسان چیزی جز یک نقش مجسم یا حیوانات رها شده نیست. در روایات دیگر از گفتار به عنوان میزان، ترازوی انسان، پاره‌ای از وجود انسان، مؤثرترین چیز برای جلب دلها، میزان عقل، ترجمان دل و بیانگر شخصیت تعبیر شده است (ری شهری، ۱۳۷۷).

فکر، تلاش و پویایی است که به هنگام مواجهه‌ی انسان با معماها در وی جریان می‌گیرد، خواه این معماها سراب باشند و سری را گرم کنند خواه گرهی در کار باشند و گشودن آن‌ها در عمل سودمند افتد و یا آن که فراتر از این دو، پرده‌ای بر راز و حقیقتی باشند که با گشودن آنها در عمل سودمند افتد و یا آن که فراتر از این دو، پرده‌ای بر راز و حقیقتی باشند که با گشودنشان، بصیرت و وسعتی در آدمی جای گیرد. پس با نظر به این گستردگی عرصه‌های فکر، می‌توان گفت که آدمیان همه در گیر اندیشه ورزی‌اند.

به این معنا، همه متفکرند و اگر گاه قومی به سبب نداشتن تفکر مورد نکوهش قرار گرفته‌اند، فی الواقع نه به سبب نداشتن تفکر، بلکه به علت نداشتن تفکری معین (از حیث عرصه یا جهت ویژه‌ی تفکر) نکوهیده شده‌اند. پس آنچه مطلوب است، تفکر هدایت شده است و این معنا، همسنگ تعقل است. هرگاه تفکر و تعقل مترادف یکدیگر به کار روند، مقصود همین تفکر هدایت شده است. پس می‌توان گفت که هر تعقلی تفکر است اما هر تفکری تعقل نیست. لذا با تعقل باید که پویایی فکری انسان را از لغزش گاه‌ها مصون داشت و آن را مساعدت نمود تا به حقیقت هستی (خدا و راه خدا) هدایت یابد. قرآن می‌آموزد که عقل جز بر بستر علم نمی‌روید (۴۳، عنکبوت). برای عاقل بودن باید عالم بود (گرچه هر عالمی عاقل نیست) (باقری، ۱۳۸۹). لذا واژه اندیشه گرا در این پژوهش دربردارنده مفهوم تفکر همراه با تعقل به اضافه علم در معیت عقلانیت است.

یکی از نویسندگان غربی در مورد تأثیرات متقابل کلام و اندیشه در هدایت و گمراهی انسانها اینگونه بیان می‌کند: همچنانکه گاهی بعضی سخنان و کلمات به نحو معجزه آسای انسان را دگرگون می‌سازند و به حرکت در می‌آورند، برخی سخنان نیز، او را منحرف می‌سازند. همانطور که بیان صحیح و روشن می‌تواند افراد را متحول کرده در مسیر درست بیندازد، به همان ترتیب لغزش کلام و بیان ناقص ممکن است موجب گمراهی افراد گردد، لذا همانسان که اندیشه زبان را فاسد می‌کند، زبان نیز می‌تواند اندیشه را فاسد سازد (رابینز، ۱۳۷۹). نیروی تفکر (اندیشه ورزی) و تکلم، دو فیض بزرگ خداوند تبارک به آدمی‌اند، چنانکه پس از آفرینش انسان ابتدا از نعمت بیان سخن

گفته است (الرحمن، ۱-۴). این دو ویژگی انسان را از حد حیوانی تا جانشینی خدا بالا برده است. لذا در ترغیب به اندیشه ورزی و نکوهش نیندیشیدن در قرآن کریم آیات فراوانی ذکر شده تا آنجا که از آثار سوء عدم تعقل، کفر در انسان (فرقان: ۴۴ و بقره: ۱۷۱) و تأثیر سوء در سرنوشت او بیان گردیده است (ملک: ۱۰ و فرقان: ۴۴).

همچنانکه امام سجاد<sup>(ع)</sup> در این مورد می‌فرماید: زینت عاقل به عقلش در خوبی گفتار و درست سخن گفتن است (شیروانی، ۱۳۸۷). لذا با توجه به آنچه بیان گردید در این پژوهش ضمن مطالعه، تدبیر، جستجو و تعمیق در آیات الهی، گونه‌های مختلف کلام اندیشه‌گرا با استفاده از روش تحلیل مفهومی زبانی تعیین گردیده و در مسیر تربیت کلامی قرار خواهد گرفت.

## ۱-۲- کلام آرام یا ملایم

تشخیص و تمییز میزان بلندی صوت در موقعیتهای گوناگون نشانه اندیشه ورزی در تربیت کلامی انسان‌ها می‌باشد. در آیه ۱۹ سوره مبارکه لقمان در مورد قباحه این موضوع می‌فرماید: «و در راه رفتن [و رفتار]، میانه‌رو باش. و از صدایت بگما، که ناخوش‌ترین سداها، آوازِ خران است». رعایت کنترل میزان صوت گفتار در شرایط و موقعیتهای خاص و محضرهای گوناگون مدنظر قرآن کریم است (حجرات: ۲-۴). یکی از موقعیتهای خاصی که خداوند در قرآن کریم به مجاز بودن بلندی صدا (به طور استثناء) اشاره نموده است آیه ۱۴۸ سوره مبارکه نساء می‌باشد که موقعیت و شرایط خاص خود را دارا می‌باشد. اما این، تعقل و اندیشه در شیوه گفتار و لحن افراد است که سبب می‌گردد تا انسان دوست از دشمن را به درستی تشخیص دهد (آل عمران: ۱۱۸). نکته مهم این است که با توجه به اغلب آیات فوق می‌توان گفت کُفر که مصداق بروز کامل عدم تعقل می‌باشد در کلام انسان نیز بروز پیدا می‌کند و سبب بدآوییها و ناهنجاریهای صوتی و کلامی می‌گردد از این رو می‌توان آوایهای ناهنجار در کلام را از مصادیق کفر که نشان دهنده پوشانندگی حق و حقیقت است بیان نمود پس انسان مؤمن حقیقی با بهره‌گیری از نیروی اندیشه و عقل ورزی هرگز با بدآوییهای کلامی خود را در معرض چنین اتهاماتی قرار نخواهد داد. اما در مسیر تربیت کلامی، در موقعیتهایی که مناسب می‌نماید می‌توان در مورد افرادی که از روی جهل و بی‌خردی صدای خود را بلند می‌کنند گذشت نمود و مهربانانه برخورد کرد تا به یکباره مایوس نگردند و راهی برای ترمیم روابط کلامی خویش داشته باشند (قرآنی، ۱۳۸۳). از این رو جهت جلوگیری از پیامدهای منفی بدآوییهای کلامی در اثر گزاری معکوس نقش تربیتی کلام در متربیان قرار دادن الگوی کلامی آرام توسط مربیان جهت تربیت کلامی و تأثیر کلام ضروری می‌نماید. همچنانکه گاهی اداکردن مطلبی مهم و جذاب با صدایی ملایم و آرام متربیان را به دقت و تأمل بیشتری جهت درک بهتر مطلب وا می‌دارد چرا که بلند حرف زدن افراطی، احتمال استرس، اضطراب و خشم را افزایش می‌دهد این در حالیست که هر سه مورد از عوامل مسبب بلندی صدا می‌باشند (علوی، ۱۳۹۳). لذا انتظار می‌رود مربیان با ایجاد آمادگیهای در صوت و کلام خویشتن از بروز چنین عواملی و پیامدهای آن ممانعت به عمل آورند.

## ۲-۲- کلام مثالی و تشبیهی

یکی از ابزارهایی که در تربیت کلامی قرآن کریم قابل استفاده است قرار دادن مثالهای گوناگون در عبارات کلامیست تا بر آن اساس قدرت اندیشه افراد به کار گرفته شود و بتوانند مفاهیم تربیتی مورد نظر را بیابند و به کار بندند. ازاین رو مثل و مثال از الگوهای بسط تفکر در قرآن کریم است که بین داستان و تشبیه قرار گرفته و مانند داستان کوتاهی است که ایجاز تشبیه را ندارد اما دارای بعد تمثیلی است (کشانی، ۱۳۹۵). لذا اهل علم و اندیشه‌اند که به این موارد توجه دارند و لطایف گفتاری و تربیتی در باطن مثالها را می‌یابند (اعراف: ۱۷۶ و ابراهیم: ۲۵، یوسف: ۱۱۱) و به دعوت قرآن به گوش دادن به مثلها توجه می‌نمایند (ابراهیم: ۲۴، حج: ۷۳) و تمثیلهای را می‌فهمند (عنکبوت: ۴۳). شدت توجه خداوند به موضوع اندیشه ورزی تا آنجاست که از آنان که نمی‌اندیشند به سطوران مثال زده شده است (عنکبوت: ۴۴) و همچون کافران‌اند که تعقل نمی‌ورزند (بقره: ۱۷۱). پس آنجا که به شهادت گویش کلام پروردگار در آیات فوق مرز انسانیت و حیوانیت تفکر و اندیشه است چه نیکوست آدمیان به تمام نشانه‌ها و مثالهای پیرامون خویش و آیات الهی نیک بنگرند تا هم در جستار و تبیین حقانیت موفق گردند و هم در جرگه حیوان صفتان کفرانگیز ملحق نگردند.

در آیه ۴۳ سوره مبارکه عنکبوت در مورد اهمیت اندیشه ورزی بر اساس مثالهای قرآنی اینگونه بیان می‌دارد: «و این مثلها را برای مردم می‌نیمیم؛ اما جز دانشمندان و آگاهان، کسی آن را درک نمی‌کند». مثال سگ که در مورد مذمت دنیاپرستان و تکذیب کنندگان زده شده از جمله تمثیلهای عمیق خداوند است تا شاید انسانها در آن تفکر کنند و به خود آیند (اعراف: ۱۷۶). ابن بانگ را می‌توان از دنیای به ظاهر خاموش مثالها دریافت که: «آیا آبناء آدم آیا زمان آن فرا نرسیده است که در اعماق سخنان پروردگارتان غور کنید و اسرارحیات طیبه را بیابید از چه روست که دنیازدگان به سگ تشبیه می‌شوند (همان) و نااندیشان به سطوران (عنکبوت: ۴۴). تمثیلهای قرآن کریم در مورد کافر و مؤمن نیز بسیار قابل تأمل می‌نماید همچنان که در آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره فاطر می‌فرماید: «کافر و مؤمن یکسان نیستند، چنان که [نابینا و بینا یکسان نیستند. (۱۹) و تاریکی و روشنایی. (۲۰) و سایه و گرمای آفتاب. (۲۱) و زندگان و مردگان یکسان نیستند». همچنانکه در مورد بسته بودن چشم و گوش حقیقت بین کافران آنان را به حیوانی کر و گنگ تمثیل نموده است (بقره: ۱۷۱). استفاده از تشبیه نیز گونه‌ای از رویکرد کلامی اندیشه گراست که در برخی آیات قرآن به کار برده شده است از جمله تشبیه زندگی دنیا به لهو لعب (محمد: ۳۶ و عنکبوت: ۴۶ و انعام: ۳۲) تشبیه زمین به گهواره (زخرف: ۱۰ و نبأ: ۶)، تشبیه آسمان به بنا (بقره: ۴۴) و کوه‌ها به میخ (نبأ: ۷). لذا با توجه به رویکرد اندیشه گرایی قرآن کریم در انواع گونه‌های کلامی از جمله استفاده از مثال و تشبیه در گفتار، انتظار آن می‌رود تا اصحاب تعلیم و تربیت با انتخاب مثالها و تشبیه سازی در کلام خود در انعقاد و تفهیم اهداف تربیتی خویشتن در این عرصه از هیچگونه تلاشی فروگذار نباشند. زیرا ساده‌ترین راه در جهت اثربخش کلام و تبیین اهداف مربی استفاده از مثالهای کلامی و تشبیهات است (علوی، ۱۳۹۳). لذا اصحاب اندیشه‌اند که می‌بایست با دقت در

مشاهدات کائنات و مطالعه عمیق کلام پروردگار و اهل بیت<sup>(ع)</sup> در مسیر تربیت کلامی و تقویت روحیه اندیشه ورزی از این گونه کلامی بهره کافی و وافی را ببرند.

### ۲-۳- کلام امری عبرت آموز

عبرت آموزی مستلزم داشتن چشمی بینا (آل عمران: ۱۳)، عقلی ناب (یوسف: ۱۱۱) و دلی بیدار (نازعات: ۲۶) است که هم در پهنه‌ی قدرت الهی در هستی و هم در عرصه خطاهای خاطیان و آثار به جا مانده از آنان راه دارد و مانع از آن می‌گردد که فرد برای کناره گرفتن از هر خطایی، خود به ازای آن مجازات بیند (باقری، ۱۳۸۹). بر این اساس گونه‌ای از کلام که انسان را به اندیشه و امید دارد، توجه به شیوه بیان امریست که خداوند در آیات گوناگون سوره‌های مختلف ذکر نموده‌اند تا سبب عبرت آموزی انسانها گردد لذا اینگونه کلامی می‌تواند راهگشای مریبان در امر تعلیم و تربیت گردد و هر از گاهی متربیان خویش را امر به توجه و تفکر در اموری نمایند که سبب عبرت آموزی، اندیشه ورزی آنان می‌گردد از اینگونه کلامی می‌توان به آیات (ص: ۴۵ و اعراف: ۱۶۳ و انشراح: ۱ و ۲) اشاره نمود، از آن جمله در سوره انعام اینگونه می‌فرماید: **انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمْ وَوَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۴﴾** بنگر که چگونه علیه خود دروغ گفتند و آنچه به دروغ و افترا به خدا نسبت می‌دادند، از دستشان رفت. (۲۴) که در آن انظر فعل امر و سرانجام افترا نمونه‌ای از عبرت آموزی بیان گردیدند که می‌توان از این شیوه به عنوان یک گونه گفتاری در مسیر تربیت کلامی جهت مریبان استفاده نمود چرا که سکوت نابجای برخی مریبان در مقابل برخی رفتارهای متربیان سبب ادامه سوء رفتار در آنها می‌گردد و گاهاً سبب تغییر سرنوشت آنان و افتادن به کوره راه ضلالت خواهد انجامید.

### ۲-۴- کلام استلزامی (امری و نکوهشی)

نوعی گونه کلامی که امری حتمی را استلزاماً به مخاطب و می‌گذارد تا او را صراحتاً به سوی هدفش هدایت نماید، را می‌توان در آیات قرآن کریم مشاهده نمود. این گونه کلامی را اندیشه ورزان حقیقی به خوبی درک می‌نمایند و با عمل به امر استلزامی که از سوی مربی الهی بیان گردیده، مسیر خویش را در رسیدن به هدف هموار می‌سازند. به عنوان نمونه گونه استلزامی کلام خداوند در آیه ۱۱۰ سوره مبارکه کهف بدین صورت است: **فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا ﴿۱۱۰﴾** پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد. این تعبیر در لسان قرآن در مورد روز قیامت به کار رفته است لذا اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد باید خود را برای استقبال از آن آماده کند. فردی که ادعای انتظار را دارد اما اثری در عمل او نمایان نیست در واقع مدعی دروغینی بیش نخواهد بود به همین دلیل در آیه فوق، **فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا** به صورت صیغه امر بیان شده، امری که لازمه رجاء و انتظار لقای پروردگار است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰). از این رو مربی در مسیر تربیت الهی هر گاه که شرایط

امید و انتظار حقیقی را جهت وصول به اهداف تربیتی را در متربیان خویش یافت آنان را به سوی عملی خالصانه در راستای اهداف مورد نظر امر می‌نماید، بدین معنی که با استفاده از افعال استلزامی وامری درگفتار خویش در مواقع خاص به تبیین حقائق در ضمیر متربی می‌پردازد، آنجا که لازم باشد با بیان نکوهشی و عتاب آمیز آنان را به اشتباه خود آگاه می‌سازند (عبس: ۳ تا ۱۲) و چه بسا متربیانی که از نیروی تعقل و اندیشه ورزی بهره مند می‌باشند این گونه کلامی را از سوی مربی خویش به درستی دریافت می‌دارند و درهر شرایطی به کلام امر یا نهی مربی جامه عمل می‌پوشانند و خود را ملزم به اینگونه کلامی در موقعیتهای خاص می‌نمایند.

## ۲-۵- کلام بی حاشیه

گاهی در محاورات کلامی اهمیت و هدف موضوع گفتاری حول محور خاصی است که توجه به آن بسیار مهمتر از پرداختن به حواشی و پیرامون آن موضوع است به عنوان مثال در آیه (کهف، ۲۲) که حول محور اصلی معجزه و قدرت خداوند در بیدار نمودن اصحاب کهف بعد از چندین سال بوده است، برخی با صحبت‌های بی اساس به حواشی گوناگون در مورد تعداد افراد داخل غار می‌پرداختند از این رو به علت توجه افراد به حواشی موضوع، به جای اصل حقیقت موجود، بیان کلام بی حاشیه مطرح گردید. چرا که گاهی حواشی سبب پنهان شدن یا مغفول ماندن اصل بحث می‌گردد، از این رو باید به اصل گفتار یا کلام بدون حاشیه توجه داشت. آیه مد نظر در سوره مبارکه کهف به شرح زیر می‌باشد: سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿۲۲﴾ «گروهی خواهند گفت آنها سه نفر بودند که چهارمینشان سگ آنها بود، و گروهی می‌گویند پنج نفر بودند که ششمین آنها سگشان بود -همه اینها سخنانی بدون دلیل است- و گروهی می‌گویند آنها هفت نفر بودند و هشتمینشان سگ آنها بود، بگو پروردگار من از تعداد آنها آگاه‌تر است جز گروه کمی تعداد آنها را نمی‌دانند، بنابراین در باره آنها جز با دلیل سخن مگوی و از هیچکس پیرامون آنها سؤال مکنما». با توجه به تفسیر آیه فوق، مراء بیشتر در گفتگوهای لجاجت آمیز و دفاع از باطل به کار می‌رود، ولی ریشه اصلی آن محدود به این معنی نیست، بلکه هر نوع بحث و گفتگو را درباره هر مطلبی که محل تردید است را شامل می‌شود. بنابراین مفهوم قَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا این است که آنچنان با آنها منطقی و مستدل سخن بگو که برتری منطق تو آشکار گردد و از آنها که بدون دلیل سخن می‌گویند درباره تعداد اصحاب کهف سؤال نکن (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰). از آنجا که پرداختن به حواشی از حيله‌ها و نیرنگ‌های دشمنان در مسیر تربیت الهی است تا بشریت را از حقیقت دور سازند و جایگاه حق و باطل را در اذهان و گفتار تغییر دهند و چه بسا مسبب تغییر نگرشها و در نهایت تاریکی مسیر سعادت افراد بسیاری گردند لذا توجه به این گونه کلامی و مقدمات مورد لزوم آن در مکالمات میان مربیان و متربیان ضروری می‌نماید که اگر این آگاه سازی از سوی مربیان صورت نگردد شبهات و شک به جان متربیان رسوخ می‌نماید و سبب مخدوش ماندن

اصل حقیقت می‌گردد لذا برای تبیین حقائق می‌بایست این موضوع را مد نظر داشت و اصل را فدایی فرع ننمود.

## ۲-۶- کلام حکیمانه

حکمت عبارت از سخن صحیح و محکمی است که حق را آشکار و شبهه را زایل می‌کند (اکبری، ۱۳۸۹). «حکمت علمی است که می‌توان با آن، هم در حیطه اندیشه و هم در حیطه عمل، به واقع و حق نائل شد» (باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷). باورمندی به نظارت دائمی پروردگار و احساس حضور او و ثبت سخنان در پرورنده اعمال و حسابرسی آنها در دادگاه عدل الهی، دگرگونی ژرفی در روح و فکر آدمی و در نتیجه در گفتار او ایجاد می‌کند و وی را وامی‌دارد تا کلام خود را کوتاه و سخنانی سنجیده را بر زبان جاری سازد (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲). از این جهت یکی از ارکان اساسی در تربیت کلامی مجهز نمودن خویشتن به قدرت حکمت در کلام به وسیله بیان دلائل روشن می‌باشد (زخرف: ۶۳). به سبب اهمیت این موضوع است که حضرت ابراهیم دستان استغاثه خویش را رو به درگاه الهی بالا می‌برد و از خداوند درخواست حکمت و لسان صدق می‌نماید (شعراء: ۸۴). لذا در قرآن کریم به گفتار حکیمانه در ارتباطات کلامی توصیه گردیده است (نحل: ۱۲۵). در هفتمین فراز از دعای امام عصر (عج) چنین می‌خوانیم: «و سَدِّد و السنتنا بالصَّواب و الحکمة؛ خدایا! زبان‌های ما را به درست گویی و حکمت استوار فرما». از این فراز، دست کم سه مطلب استفاده می‌شود اول اینکه کنترل و نگهداری زبان از هرگونه انحراف و باطل گویی دوم عادت دادن زبان به درست گویی و سخن حق و مفید و آموزنده؛ سوم وسیله قرار دادن زبان برای آموزش دانش و حکمت‌ها و آگاهی‌های سودمند و تکامل بخش (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۵). یکی از مواردی که قرآن کریم در آیات مکرر به آن پرداخته است همراهی کتاب و تزکیه با حکمت است (بقره: ۱۵۱ و ۱۲۹، آل عمران: ۱۶۴، جمعه: ۲). همچنین از نشانه‌های حکمت شکرگزاری و سپاس از خداوند بیان شده است (لقمان: ۱۲). که انسان را به این وادی رهنمون می‌سازد که برای رسیدن به حکمت می‌بایست کتاب الهی را سرلوحه زندگی قرار داد و به تزکیه خویشتن همت گمارد و سپاسگزار حقیقی خداوند بوده و این حقیقت را پذیرفت که گذرگاه کلام حکیمانه از بیان حقائق همین کتاب بر قلب و زبان و تزکیه تمام جوارح (از جمله زبان) از آلودگیها عبور می‌کند. که هرکس به آن مجهز گردد به خیر کثیر دست یافته البته این را فقط صاحبان خرد و اندیشه درک خواهند کرد (بقره: ۲۶۹). لذا چه سعادت‌ی بهتر از رسیدن به خیر کثیر که با توجه به آیات فوق، تبیین حقائق و دلائل روشن، همراهی با فرامین الهی (یا تزکیه خویشتن) و شکرگزاری عملی را می‌توان از ارکان آن و کلام حکیمانه بر شمرد. از این جهت انتظار می‌رود رهپویان این عرصه، کلام خویشتن را به حکمت بیاریند و مسیر آموختن کلام حکیمانه را ضمن تعلیم ارکان آن، برای متربیان خویش مهیا سازند.

## ۷-۲- کلام شمرده یا منظم

آنچه که از کلام خداوند بر اساس الگوی آیات قرآن کریم (مزمّل: ۴ و فرقان: ۳۲) استنتاج می‌گردد بدین نکته اشاره دارد که شمرده گویی و ایجاد نظم و روانی در کلام که از اندیشه‌ای شگرف نشأت می‌یابد از اهمیت به سزایی برخوردار است. ترتیل که در اصل به معنی تنظیم و ترتیب موزون است در اینجا به معنی خواندن با تأنی و نظم لازم، و اداء صحیح حروف، و تبیین کلمات، و دقت و تأمل در مفاهیم و اندیشه و در نتایج آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰). در حدیثی از امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup> در مجمع البیان جلد ۱۰ صفحه ۳۷۸ آمده است: «ترتیل یعنی به طور روشن بیان کردن، نه مانند اشعار سریع و نه مانند دانه‌های شن پراکنده». شگفت انگیز این است که تمام این موارد در انعقاد کلام و گفتار در ارتباطات کلامی از سوی دانشمندان این عرصه بسیار مؤثر و کاربردی می‌نماید در حالی که اگر از الگوی عملی قرآن کریم در این علوم بهره گرفته می‌شد چه بسا بسیار قبل‌تر از کشف این موارد بشریت می‌توانست از کلام سنجیده بهره مند گردد. لذا در عرصه تربیت کلامی پویندگان این مسیر با اندیشه در چگونگی اثر گزاری بیشتر کلام خود فن بیان خویش را از قرآن کریم آموخته و در ارتباطات خویش با کلامی موزون و شمرده به ایراد سخن می‌پردازند تا مخاطبین را به خوبی از عمق معانی کلام خویش بهره مند سازند و جان کلام را بر وجود متربیان بنشانند. چنانکه مهارتهای خوب سخن گفتن همچون وضوح و بلندی متناوب صدای مریبان مسبب خوب شنیدن متربیان و اشتیاق بیشتر مریبان به تدریس خواهد گشت (علوی، ۱۳۹۳). بدین اوصاف اگر الگوی گفتاری فوق در فنون تدریس و بیان مریبان لحاظ گردد می‌توان اثرگزاری بیشتری از کلام را در متربیان یافت. لذا تعلیم اینگونه کلامی در جولانگاه تعلیم و تربیت ضروری می‌نماید.

## ۸-۲- کلام عالمانه

از آنجا که جز عالمان کسی به تعقل در باب آن نخواهد پرداخت (عنکبوت: ۴۳) چون راه عقل با تبیین هموار می‌شود، آشکار شدن امور و مسائل در پرتو تبیین، منجر به علم می‌گردد (بقره: ۲۴۲). «هرگاه پدیده‌های هستی و مسائل مربوط به آدمیان به گونه‌ای تبیین شود که وجه ارتباط و انتساب آن با خداوند آشکار شود، زمینه‌ی علم فراهم می‌آید و با حصول علم تعقل ممکن می‌شود در این مسیر از پاره‌ای لغزش گاه‌ها باید پرهیز کرد تا نیل به مقصود حاصل گردد» (باقری، ۱۳۸۹ ص: ۲۰۲).

سخنان بدون بار علمی و بی فایده از سوی افراد خاص از جمله همان لغزش گاه‌ها و لهویات به شمار می‌روند که قرآن کریم به صراحت آنها را مورد توبیخ قرار می‌دهد (لقمان: ۶). از این رو سالک در مسیر تربیت الهی می‌بایست در مسیر مقابله با جهل به کسب علوم گوناگون بپردازد و در گفتار و کلام خویش بر اساس علمومی که کسب نموده به تبیین و روشنگری جامعه در شاخه‌های مختلف بپردازد. چنان که امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «با مردمان درباره آنچه نمی‌دانند سخن مگو که به طغیان و کفر گرفتار می‌شوند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۸). همچنین می‌فرماید: «پس

به درستی که از برای علم تو، بر تو حقی است و حق آن بر تو این است که، عطا کنی آن را برای مستحق آن و منع کنی آن را از غیر مستحق آن و عقل در این است که آنچه را می دانی بگویی و آنچه را می گویی عمل کنی» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲، ص: ۴۸، ۵۶۵). بنابراین لازم است به میزان علم مخاطب توجه نمود و زمینه‌های افزایش آگاهی و پذیرش را در مورد موضوع گفتگو ایجاد نمود (توفیقی و همکاران، ۱۳۹۸).

خوب شنیدن به همراه سکوت یکی از ابزارهایی است که می‌تواند سبب افزایش آگاهی و علم افراد گردد و سبب ترک و دوری از لغویات گردد (فصلت: ۲۶). لذا از آنجا که اعراض از اعمال جاهلانه و لغویات یکی از توصیه‌هایی قرآن کریم است که فرد را به قرار گیری در وادی علم ترغیب می‌نماید از این رو اندامهای مداخله گر در سیستم عملکرد انسان، در صورت پیروی از آنچه به آن علم ندارند مورد بازخواست قرار خواهند گرفت (اسراء: ۳۶ و قصص: ۵۵). و آنانکه از این مسیر تخطی نموده و سبب گمراهی و بن بست علمی افراد می‌گردند به عذاب الهی ذلت باری دچار خواهند گشت (لقمان: ۶). ایمان و برپا داشتن نماز خالصانه و فروتنانه یکی از روشهایی است که قرآن کریم جهت پرهیز از لغویات در جهت هدف رستگاری به آن متذکر شده است (مؤمنون: ۱ تا ۳). لذا از آنجا که سخنان نیکو و عدم وجود لغویات از خصوصیات بهشتیان (مریم: ۶۲ و نبأ: ۳۵ و واقعه: ۲۶ و ۲۵) می‌باشد، از این رو توجه ویژه به علم و آگاهی (نور: ۱۵ و غافر: ۴۲) که از ارکان کلام تبیین نگرند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱) و پرهیز از لغویات سر لوحه مهارت‌های ارتباطی اندیشه‌گرا در عرصه تربیت کلامی قرار دارد که می‌بایست جویندگان علم و حقیقت به آن مجهز گردند. لذا در غیر اینصورت پیامد عدم آگاهی میان علم مخاطب و گفتار موجود سبب نشر شایعات و اظهار سخنان فراتر از سطح دانش فرد، باعث خود برتر بینی و فخر نمائی می‌گردد (ایروانی و همکاران، ۱۳۸۸). از این رو می‌بایست مربیان و متربیان را به انجام کلام عالمانه متذکر ساخت و راههای کسب علوم نافع را برای آنان گشود تا نادانسته پای در مسیری که به ناکجا آباد منتهی می‌گردد نهند و این میسر نمی‌گردد مگر با ساماندهی اصولی تعلیمات هدفمند در عرصه کلان تعلیم و تربیت.

## ۲-۹- کلام استدلالی و پرسشگرانه

از جمله گونه‌های کلامی که ذیل رویکرد کلامی اندیشه‌گرا می‌توان از آن نام برد، پرسشگری و استدلال کلامی می‌باشد که سبب تبیین و روشنگری حقائق می‌گردد از این رو شیوه پرسشگری و استدلال کلامی حضرت ابراهیم با مخاطبینش (شعراء: ۷۰ تا ۸۳) را می‌توان به عنوان رهنمونی الهی بیان نمود که در آن مورد (پرسش‌های استدلال‌گرانه از مخاطبین) اینگونه می‌فرماید:

آن‌گاه که به پدرش و قومش گفت: «شما چه می‌پرستید؟» (۷۰) گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم و در کنارشان به پرستش ماندگاریم.» (۷۱) [ابراهیم] گفت: «آیا هرگاه آنها را می‌خوانید، سخن شما رامی‌شنوند؟ (۷۲) یا به شما سود و زیانی می‌رسانند؟» (۷۳) گفتند: «[نه!] بلکه پدرانمان را یافته‌ایم که این‌گونه [پرستش] می‌کردند!» (۷۴) [ابراهیم] گفت: «آیا نظر کرده‌اید در آنچه می‌پرستید؟ (۷۵) شما و پدران پیشین شما؟ (۷۶) البتّه این بت‌ها دشمن منند، [چون مرا گرفتار عذاب خواهند

کرد،] مگر پروردگار جهانیان [که پرستیدنش مایه‌ی سعادت است]. (۷۷) همان که مرا آفرید، پس او راهنمایی می‌کند. (۷۸) او که به من می‌خوراند و می‌نوشاند. (۷۹) و هرگاه بیمار شوم، او مرا شفا می‌بخشد. (۸۰) و او کسی است که مرا می‌میراند، سپس زنده‌ام می‌کند. (۸۱) و او کسی است که امید دارم روز جزا، خطاهای مرا ببخشد. (۸۲) پروردگارا! به من حکمت مرحمت فرما! و مرا به صالحان ملحق کن! (۸۳). گونه‌های مختلف کلام استدلالی و پرسشگرانه (واقعه: ۴۷ تا ۵۰ و رعد: ۱۶ و فصلت: ۴۴) جهت تبیین حقائق در قرآن کریم ذکر شده است که نشانگر اهمیت برخورداری از این شیوه کلامی اندیشه‌گرا در عرصه تربیت کلامی می‌باشد تا مربی با سؤالات خویش قدرت فکر و اندیشه‌متری را به حرکت و پوییش اندازد و با پاسخهای علمی خویش مسیر کشف حقیقت را برای او هموار سازد و از پذیرفتن چشم و گوش بسته مسائل پیرامون جهان بپرهیزند. همچنانکه به شهادت مطالعات صورت گرفته در زمینه استفاده از این گونه کلامی، مشخص گردید این روش به طور معناداری با پیشرفت متربیان ارتباط داشته است (علوی، ۱۳۹۳).

## ۱۰-۲- کلام معین

کلام آینه ماهیم و معانی است. این آینه هر چه مصفا تر باشد به همان میزان بر شفافیت و نفوذ مفاهیم و معانی خواهد افزود. از این رو لازم است مربی بنگرد که معانی و مفاهیم مورد نظر را در برابر چه آینه‌ای قرار می‌دهد. کژ و کدر سخن گفتن در حکم پامال ساختن معانی است. مربی نباید در عرضه معانی خویش، هر واژه‌ای را که زودتر از واژه‌های دیگر به ذهنش دوید به کار گیرد، بلکه باید در پی خلق تعبیرهای بلند باشد. گاه تعبیری به تنهایی به وزن کتابی سخن دارد و اثرش در آدمی پایدار و و پردوام است. قرآن که سخن خداوند است و برای تربیت انسان نازل شده است، این شیوه را در اوج نمایان می‌سازد (باقری، ۱۳۸۹ ص ۱۶۱).

امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: هر جایگاهی گفتار خاص به خود را دارد از این رو سخنگو به موقع و به اندازه و نیکو سخن می‌گوید (قمی‌آمدی، ۱۳۹۲). لذا جهت رعایت استفاده از لغات خاص در موقعیت‌های خاص با در نظر گرفتن شرایط گوناگون می‌توان به آیه ۱۰۳ سوره بقره اشاره نمود که در آن شیوه تغییر کلام را در مقابل پیامبر (موقعیت ویژه) اینگونه بیان می‌دارد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا** ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [هنگامی که از پیامبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می‌کنید، به او] نگوئید: «راعینا، مراعاتمان کن!» بلکه بگوئید: «انظُرْنَا، ما را در نظر بگیر!» [زیرا راعینا، به معنای «ما را تحمیق کن» نیز هست و دستاویزی است برای دشمن!؛ و [این توصیه را] بشنوید. لذا در مسیر تربیت کلامی باید با استفاده از قدرت اندیشه، موقعیت‌های خاص در مقابل افراد مختلف را شناخت و با هر کسی نسبت به موقعیت سنی، جایگاه اجتماعی و شأنت وی لب به سخن گشود. رسول اکرم<sup>(ص)</sup> در این مورد می‌فرماید: «ما پیغمبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوئیم» (کافی ج ۱، ص ۲۳). یعنی ظرفیت عقل و سطح فکر افراد را باید در نظر گرفت و متناسب با ظرفیتشان با آنها سخن گفت (مطهری، ۱۳۸۲). همانگونه که مولانا در مثنوی معنوی دفتر چهارم چنین می‌گوید: «چون با کودک

سر و کارم فتاد هم زبان کودکان باید گشاد». قرارگیری در شرایط مکانی خاص نیز حال و هوای معینی در انسان پدید می‌آورد از این رو روابط فرد در موقعیتهای مکانی دچار تغییر می‌گردد تا در معرض اندیشه‌ها، افکار و حالات خاصی قرار گیرد لذا روش حاضر ناظر به توجه به مکانهای خاص از جمله طبیعت و اماکن مقدس نیز می‌باشد (باقری، ۱۳۸۹). لذا مریبان با شناخت موقعیتهای گوناگون متربیان، با قرار دادن آنان در موقعیتهای خاص اجتماعی و طبیعی گونه‌های کلامی خاص آن مواقع معین را به ایشان تعلیم داده و تأثیر بیشتر کلام خویش را بر جان آنان می‌نهند.

## ۱۱-۲- کلام استوار

بی تردید یکی از عوامل مؤثر نفوذ کلام در مخاطبان، برخورداری از سخنی با محتوایی ارزشمند و متقن است لذا سخن یا کلام به فرمایش قرآن کریم باید سدید باشد (احزاب: ۷۰). سدید یعنی قابل اعتماد، صحیح و مستقیم (علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۷) هنگامی که سخن سدید باشد تأثیری فوق العاده خواهد داشت زیرا گفتاری است محکم با پشتوانه علمی نه از روی گمانهای باطل و شایعات که از ایمان و تقوای الهی نشأت می‌یابد (نساء: ۹ و احزاب: ۷۰). در تفسیر قول سدید گفته‌اند که سدید از ماده سد به معنی استوار، خلل ناپذیر و موافق حق و واقع است و قول سدید سخنی است که چون سدی محکم جلو امواج فساد و باطل را می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳). با توجه به مخاطب قرار گرفتن مؤمنان در آیات فوق و سفارش به تقوای الهی پیش از قول سدید، در مورد رابطه میان این دو (تقوای الهی و قول سدید) امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: به خدا سوگند بنده‌ای را ندیدم که تقوایش برایش سودمند باشد، مگر اینکه زبانش را نگهداری کند. زبان مؤمن در پشت قلب اوست و قلب منافق در پشت زبانش، زیرا مؤمن هرگاه سخنی بگوید با خودش می‌اندیشد، پس اگر خیر باشد، آشکار می‌کند و چنانچه ناپسند باشد، پنهانش می‌دارد، ولی منافق آنچه بر زبانش آمد می‌گوید، نمی‌اندیشد که کدام به سود و کدام به زیان اوست (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). از بیانات فوق اینگونه برداشت می‌گردد که تقوای الهی سبب نگهداری زبان از شر و سبب به کارگیری آن در راه خیر است همچنانکه روش مؤمنان در سخن گفتن اینگونه است که قرآن بر آن دلالت دارد. با توجه به مضمون و مشاهده آیاتی که بیان گردید (نساء: ۹ و احزاب: ۷۰ و یونس: ۸۹) مشخص می‌گردد که تقوای الهی و اندیشه ورزی به عنوان دو ابزار برای داشتن گفتاری استوار برای همه افراد لازم می‌باشند. از این رو اصحاب تعلیم و تربیت می‌بایست خود را به این گونه گفتاری مجهز نمایند و با این شیوه گفتاری به تبیین حقائق بپردازند در غیر اینصورت ممکن است پیامدهایی همچون نفاق و جهل سوار بر سرنوشت متربیان گردد و در مسیر ناصواب راه پیمایند.

## ۱۲-۲- کلام داستانی

بر اساس آیات الهی، بیان سرگذشتها و داستان گویی بیشترین محتوای قرآن می‌باشند که در راستای دعوت به تفکر ورزی (اعراف: ۱۷۶) برای افراد در جوامع مختلف و گروههای سنی گوناگون از ابزارهای تربیت کلامی به شمار می‌روند به گونه‌ای که آدمیان با خواندن آنها قلبی قوی و استوار

می‌یابند و مسیر حق و ثواب بر آنها روشن می‌گردد و برای اهل ایمان موعظه و تذکر می‌باشد (هود: ۱۲۰) لذا از منظر قرآن کریم با استفاده از این گونه کلامی درخوانشها و گفتگوهای تربیتی می‌توان رهنمودهای عملی بسیاری آموخته و در ایجاد سرنوشتی نیکو برای خویش و جامعه گام مؤثری را برداشت و با استفاده از داستانهای متنوع و پند آموز قرآن کریم در بیانات تربیتی در به کارگیری نیروی تفکر و اندیشه در تبیین حقائق طی مسیر نمود (یونس: ۷۱ و اعراف: ۱۷۵) از جمله این داستانها بیان سرگذشت پیامبران و افراد خاصی است که در قرآن کریم بیان گشته است (شعراء: ۶۹ و مائده: ۱۷۵ و ۲۷).

با توجه به آیات قرآن کریم مشخص می‌گردد که داستانهای قرآن در سه زمان گذشته، حال و آینده نسبت به حضور پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> بیان گردیده و خداوند امر به خواندن و تفکر در آنها نموده است (کشانی، ۱۳۹۵). برخلاف کتابهای تاریخ، نقل داستان در قرآن به ترتیب زمانی سیر حوادث داستان در یک سوره یا سوره‌های مختلف نیست. بلکه فرازهای مختلف یک داستان به تناسب موقعیت و مقام سخن در سوره‌های قرآن توزیع شده است. این نحوه‌ی بیان قصه یعنی بیان نامنظم فرازهای مختلف قصه در سوره‌های مختلف با هدف قصه در قرآن، یعنی ذکر و پند و موعظه، رابطه دارد. و شکی وجود ندارد که تمام قصص قرآن همان گونه که قرآن نقل کرده، عین واقعیت است. (عابدالجباری، ۱۳۹۳ به نقل از مطهری، ۱۳۷۵). بنابر توضیحات فوق کلام داستانی از ابزارهای بیان و اجرای اهداف تربیتی مورد نظر جوامع، بالاخص دین مبین اسلام می‌باشد که مریبان در هر جایگاهی متناسب با سن و موقعیت متربیان و اهداف تربیتی خویش از آن استفاده و به متربیان خویش می‌آموزند.

#### مضامین اصلی واکاوی گونه‌های کلام اندیشه گرا در قرآن کریم

ردیف	آیات منتخب	مضمون (گونه کلامی اندیشه گرا)
۱	لقمان: ۱۹، آل عمران: ۱۱۸، حجرات: ۲-۴	آرام یاملایم
۲	اعراف: ۱۸۶، ابراهیم: ۲۵، یوسف: ۱۱۱، عنکبوت: ۴۳ و ۴۴	. مثالی و تشبیهی
۳	. آل عمران: ۱۳، نازعات: ۲۶، ص: ۴۵، انعام: ۲۴	. امری عبرت آموز
۴	کهف: ۱۱۰، عبس: ۱۴-۳	استلزامی (امری و نکوهشی)
۵	. کهف: ۲۲	بی حاشیه
۶	. زخرف: ۶۳، نحل: ۱۲۵، بقره: ۲۶۹، آل عمران: ۱۶۴	حکیمانه
۷	مزمّل: ۴، عرفان: ۳۲.	شمرده یا منظم
۸	غافر: ۴۲، نور: ۱۵، عنکبوت: ۴۳، بقره: ۲۴۲، فصلت: ۲۶، اسراء: ۳۶.	عالمانه
۹	. شعرا: ۸۴-۷۰، رعد: ۱۶، فصلت: ۴۴، واقعه: ۵۰-۴۷	استدلالی و پرسشگرانه
۱۰	. بقره: ۱۰۳	معین
۱۱	احزاب: ۷۰، نسا: ۹، یونس: ۸۹	استوار
۱۲	شعرا: ۱۶۹، اعراف: ۱۷۶، هود: ۱۲۰، یونس: ۷۱، اعراف: ۱۷۵.	داستانی

### ۳- نتیجه گیری

قرآن کریم به عنوان شاهراه سعادت زندگی دنیوی و آخروی انسانها، بهترین الگو جهت تربیت کلامی برپایه رویکردها و گونه‌های مختلف گفتاریست از این رو بر پایه نتایج به دست آمده از تحلیل زبانی - مفهومی آیات قرآن کریم، جهت داشتن کلامی تبیین نگر در راستای اهداف اجتماعی و فردی مانند حیات طیبه، هدایت و رستگاری، می‌بایست در موقعیتهای ویژه با توجه به رویکرد کلامی اندیشه گرا، با تحریک نیروی تفکر و عقل ورزی، به گونه‌های گفتاری خاص این رویکرد مجهز گردید تا بتوان با انتخاب بهترین گونه گفتاری تبیین نگر با رویکرد اندیشه گرا، از جمله (گونه‌های کلامی آرام یا ملایم، مثالی و تشبیهی، امری عبرت آموز، نکوهشی یا عتاب آمیز، استلزامی، بی حاشیه، حکیمانه، شمرده یا منظم، عالمانه، استدلالی و پرسشگرانه، معین، استوار، باثبات، داستانی، آینده نگرانه) در موقعیتهای و ارتباطات کلامی در این مسیر به موفقیت دست یافت و پیامدهای تربیتی مثبتی را در عرصه ارتباطات کلامی رقم زد. از این رو پیشنهاد می‌شود تا برای معلمان و مربیان در هر مقطعی تمهیداتی جهت شناخت و مطالعه گونه‌های گفتاری رویکرد اندیشه گرا در راستای کلام تبیین نگر فراهم گردد تا در برقرای ارتباط کلامی مناسب جهت تزریق اندیشه‌های سعادت‌مندان به متربیان خویش از بهترین گونه گفتاری بهره مندگردند. همچنین اضافه شدن مطالب این پژوهش به کتب دانش آموزان و دانشجویان ضروری می‌نماید تا بتوانند با فراگیری گونه‌های مختلف و انتخاب اندیشمندان گونه‌های این رویکرد کلامی با استفاده از نیروی تعقل و تفکر در مواقع ارتباط کلامی جهت تربیت و سعادت دنیوی و آخروی خویش و جامعه گام مؤثری بردانند.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، تهران: گلی، ۱۳۸۸ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: پیام مقدس، ۱۳۹۰ ش.
- ابو جعفری، مهدی و بهشتی، محمد و فقیهی، علی نقی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد چهارم، تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
- اسکندری، کریم و ولی الله نقی پور، نقش ارتباطات و مهارتهای ارتباطی در دوران حکومت حضرت علی<sup>(ع)</sup>، پژوهشنامه علوی، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۸-۱، ۱۳۹۳ ش.
- الکلینی الرازی، ابن جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۵۹ ش.
- ایروانی، جواد و همکاران، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸ ش.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: مدرسه، ۱۳۸۹ ش.
- باقری، خسرو و همکاران، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹ ش.
- بولتن، رابرت (۱۳۹۴)، روانشناسی روابط انسانی، ترجمه حمیدرضا سهرابی، تهران: رشد، ۱۳۹۴ ش.
- بهشتی، محمد، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد پنجم: فیض کاشانی، تهران: سمت، ۱۳۹۰ ش.
- توفیقی، محمدحاشم و ناروئی نصرتی، رحیم و جهانگیرزاده، محمدرضا، ویژگیهای ارتباط کلامی مطلوب در منابع اسلامی با نگاهی روانشناختی، نشریه معرفت، شماره ۲۶۶، ص ۱۷۷-۱۵۶، ۱۳۹۸ ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم. ترجمه محمد رحمتی شهرضا. قم: صبح پیروزی، ۱۳۹۲ ش.
- حاتمى، حمیدرضا و سمردی، محمدرضا، روابط انسانی در سازمانهای آموزشی، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴ ش.
- خامنه‌ای، سیدعلی، KHAMENEI.IR، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ ش.
- ذوالفقاری فر، قدرت، شاخص‌های سخن گفتن در اسلام، معرفت، شماره ۱۵۲، ۱۲۵-۱۳۹، ۱۳۹۳ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المکتب المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۳ ش.
- رابینز، آنتونی، به سوی کامیابی، ترجمه مهدی مجرد زاده کرمانی، چاپ بیست و یکم، تهران: مؤسسه فرهنگی راه بین، ۱۳۷۹ ش.
- رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد سوم: امام محمد غزالی، تهران: سمت، ۱۳۹۰ ش.
- روبرتس، فیلیپ ج، درمان کامل لکنت، ترجمه جمشید پورقریب، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۵ ش.

- ژاگو، پل، آموزش گفتار، ترجمه نیلوفر خوانساری، چاپ سوم، تهران: ققنوس، ۱۳۸۰ ش.
- شریفی، مهین، آئین خطاب و گفتگو در قرآن، تهران: خورشید باران، ۱۳۹۰ ش.
- شفیع، امیر، اصول مذاکره و فن بیان، تهران: کلیدآموزش، ۱۳۹۸ ش.
- شعیری، تاج الدین محمد، جامع الاخبار، قم: انتشارات حضرت عباس<sup>(ع)</sup>، ۱۳۹۲ ش.
- شیروانی، علی، ترجمه رساله حقوق امام سجاد<sup>(ع)</sup>، قم: دارالفکر، ۱۳۸۷ ش.
- طباطبائی، محمدحسین، مترجم: موسوی، محمدباقر، تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۳۹ و ج ۳، ص ۱۳۷۹، ۳۱۴ ش.
- عبدالجباری، محمد، رهیافتی به قرآن کریم در تعریف قرآن، ترجمه محسن آرمین، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
- عبدالباقی محمدفؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن کریم، تهران: اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۹۳ ش.
- علوی سیدحمیدرضا، تربیت در قرآن و نهج البلاغه، کرمان، دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۹۳ ش.
- علوی سیدحمیدرضا، شیوه تدریس و کلاس‌داری در دانشگاه و مدرسه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۳ ش.
- فتحعلی خانی، محمد و فصیحی زاده، علیرضا و فقیهی، علی نقی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانای آن، جلد اول، تهران: سمت، ۱۳۹۱ ش.
- فلسفی، محمدتقی، سخن و سخنوری، چاپ یازدهم، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
- فیض کاشانی، ملامحسن، محجه البیضاء، قم: نشر اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- قمی، عباس. ترجمه انصاری، غلامحسین، فرهنگ واژگان قرآن کریم. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۰ ش.
- کشانی، مهدیه و رستمی نسب، عباسعلی، الگوهای تحریک و بسط تفکر در حلقه‌ی کندوکاو قرآنی. نشریه تفکر و کودک، سال ۷، شماره ۲، ۱۳۹۵ ش.
- گروه مؤلفان، جلوه‌های خدا محوری در زندگی. قم: دارالهدی، ۱۳۸۴ ش.
- لیوید، ناتان. ترجمه اورپادی زنجانی، محمدمجید و کیخا، فاطمه، شناخت لکنت، همدان: انتشارات نور علم، ۱۳۸۵ ش.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شفیع. قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷ ش.
- محمدی اشتهاوردی، محمد، کنترل زبان و درست سخن گفتن، پاسدار اسلام، شماره ۲۹۱، ۱۳۸۴ ش.
- ..... کنترل زبان و درست سخن گفتن، قم: پاسدار اسلام، شماره ۲۹۲، ۱۳۸۵ ش.
- محمدی گیلانی، محمد، شرح مناجات شعبانیه. تهران: سایه، ۱۳۷۳ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار. ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، ج ۶۸ و ۷۶ و ۸۶ تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر، ۱۳۶۳ ش.
- مطهری، مرتضی، ده گفتار. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.

- معتمدی محمد آبادی، مرضیه، گفت و گو و کارکردهای تربیتی آن در پرتو آیات و روایات. ماهنامه معرفت سال ۲۷، ۳، ۳۹-۱۳۹۷، ۲۷ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر. مفاتیح نوین. قم: علی بن ابیطالب، ۱۳۹۱ ش.
- ..... تفسیر نمونه، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.

